

Predicting Being Abused in Marital Relationships Based on Communicational Patterns and Fear of Intimacy in Married Women

Hadis Rezaei¹, Hagar Falahzade², Leli Panaghi³

1. M.A of Family Counseling, Faculty of Psychology and education Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. rezaeihadiseh401@gmail
2. (Corresponding Author), PhD Counseling, Faculty Member, Faculty of Psychology and education Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. falahzade@yahoo.com
3. Associate Professor Social Medicine, Faculty Member Family Institute Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. l_panaghi@sbu.ac.ir

ABSTRACT

Received: 10/01/2022 - Accepted: 30/08/2022

Aim: The purpose of this study was to predict being abused in close relationship based on communicational patterns and fear of intimacy in married women. The method of this research is descriptive-correlational. **Methods:** This study was a correlation study, in which 300 married women in Tehran were selected through convenience sampling and they completed the Communication Patterns Questionnaire – short form (CPQ- SF) (Christense & Heavy, 1990), Fear of intimacy scale (Descatner & Thelen, 1991), and the Spouse abuse questionnaire (Gahary, Atefvahid & Yoosefy, 2006). The data was analyzed using Pearson correlation and regression. **Findings:** Study showed that there was a significant positive relation between female demands, male withdrawal, and being abused ($r=0.236$; $P\leq 0.000$). Also there was a significant positive relation between male demanding, female withdraws ($r=0.324$; $P\leq 0.01$), female demand, male withdraw ($r=0.131$; $P\leq 0.05$), positive interaction pattern ($r=0.214$; $P\leq 0.01$), withdraw with fear of intimacy. Positive interaction pattern ($r=0.194$; $P\leq 0.001$) and female demand, male withdraw pattern ($r=0.236$; $P\leq 0.000$) predicted being abused. Findings: As a result, it can be said that the communication pattern of female demand, male withdraw and positive interaction pattern of a couple's relationship can create a challenge that causes spousal abuse.

Keywords: Communicational patterns, Fear of intimacy, being abused



پیش‌بینی آزار دیدگی در روابط زناشویی بر اساس الگوهای ارتباطی و ترس از صمیمیت در زنان متأهل

حدیثه رضایی^۱، هاجر فلاح‌زاده^۲، لیلی پناغی^۳

۱. کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
rezaeihadiseh401@gmail.com
۲. نویسنده مسئول، دکتری مشاوره، عضو هیئت علمی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران،
falalzade@yahoo.com
ایران.
۳. دکتری پزشکی اجتماعی، دانشیار، عضو هیئت علمی، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
panaghi@sbu.ac.ir

(صفحات ۲۴۰-۲۴۵)

چکیده

هدف: پژوهش حاضر پیش‌بینی آزار دیدگی در روابط زناشویی بر اساس الگوهای ارتباطی و ترس از صمیمیت در زنان متأهل بود. روش: پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. به این منظور ۳۰۰ زن متأهل شهر تهران که به روش نمونه‌گیری در دسترس و هدفمند انتخاب شده بودند به پرسشنامه‌های الگوهای ارتباطی (کریستنس و هیوی، ۱۹۹۰) ترس از صمیمیت (دسکاتر و تلتن، ۱۹۹۱) و همسرآزاری (قهاری، عاطف وحید و یوسفی، ۱۳۸۴) پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از روش ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین خرده‌مقیاس مرد متوقع / زن کناره‌گیر با همسرآزاری رابطه مثبت و معنادار وجود داشت. ($r=0.236, P\leq 0.000$) همچنین بین خرده‌مقیاس‌های زن متوقع / مرد کناره‌گیر ($r=0.324, P\leq 0.01$) مرد متوقع / زن کناره‌گیر ($r=0.131, P\leq 0.05$) و سازنده متقابل ($r=0.214, P\leq 0.01$) با ترس از صمیمیت رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. مؤلفه‌های خرده‌مقیاس سازنده متقابل ($r=0.194, P\leq 0.001$) و مرد متوقع / زن کناره‌گیر ($r=0.236, P\leq 0.000$) توان پیش‌بینی همسرآزاری را داشتند. نتیجه‌گیری: می‌توان گفت الگوهای ارتباطی مرد متوقع / زن کناره‌گیر و سازنده متقابل در رابطه زوجین می‌توانند چالشی ایجاد کنند که باعث همسرآزاری در رابطه شود.

واژه‌های کلیدی: الگوهای ارتباطی، ترس از صمیمیت، آزار دیدگی در روابط زناشویی

مقدمه

خانواده مطلوب‌ترین پیوند انسانی است. در این پیوند ابعاد زیستی، عاطفی، روانی، اقتصادی و اجتماعی اهمیت زیادی دارد و همسانی در این ابعاد ضامن سلامت رابطه است. این در حالی است که محیط خانواده می‌تواند به دلایلی متشنج شود و در معرض آسیب‌ها قرار گیرد. یکی از آسیب‌های خانوادگی که امروزه مورد توجه محققان، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان قرار گرفته است، همسرآزاری است (هالکت^۱، ۲۰۱۴). متأسفانه همسرآزاری بخشی از تجربه بسیاری از زنان است (میوسین^۲، ۲۰۱۴). بر اساس آمار سازمان بهداشت جهانی ۱۶ تا ۲۵ درصد زنان در کشورهای توسعه یافته و ۱۸ تا ۶۷ درصد از زنان در کشورهای در حال توسعه حداقل یک بار آزار بدنی و خشونت را تجربه کرده‌اند (فلین و گراهام^۳، ۲۰۲۰). سازمان ملل خشونت علیه زنان را هر رفتار خشن وابسته به جنسیت که موجب آسیب جسمی، جنسی، روانی و رنج زنان می‌شود، تعریف کرده است. چنین رفتاری می‌تواند با تهدید، اجبار یا سلب اختیار و آزادی و به صورت آشکار و پنهانی انجام شود (کراه^۴، ۲۰۱۸). خشونت علیه زنان خاص یک طبقه اجتماعی نیست، کتک زدن همسر یا شریک جنسی در همه قشرها و طبقات جامعه اتفاق می‌افتد (هالکت، ۲۰۱۴). خشونت خانگی به عنوان یکی از اشکال خشونت به دلایل گوناگون دارای اهمیت بسیار است. شیوع نسبتاً بالای این پدیده در آسیب‌های وارده بر بزه دیده لزوم حمایت از وی را توجیه می‌کند (رضوانی و غنی زاده بافقی، ۱۳۹۸). پژوهش در خصوص موضوع خشونت خانگی پیشینه‌ای کمتر از چهار دهه دارد. بر اساس بانک جهانی (۱۹۹۳) خشونت خانگی در کشورهای در حال توسعه مرگ و میری به اندازه سرطان در بین زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله به همراه داشته است (پور نقاش تهرانی، قلندر زاده،

1. Halket, M. M

2. Meeusen, M

3. Flym, A; & Graham, M

4. Krahe, p

فراهانی، صابری و آشایی بهرام، ۱۳۹۷). در روابط زناشویی، عوامل متعددی باعث همسرآزاری می‌شود (دایان فوکس و موراگ^۱، ۲۰۱۳).

وجود الگوهای ارتباطی مخرب می‌تواند یکی از مهمترین عوامل مؤثر در بروز پدیده همسرآزاری باشد (میوسین، ۲۰۱۴). الگوهای ارتباطی خانواده و ویژگی‌های شخصیتی زوجین نقش مهمی در سلامت روان خانواده دارد به طوری که وجود الگوهای ارتباطی کار آمد می‌تواند منجر به بهبود روابط شود و بر عکس الگوهای ارتباطی ناکارآمد و ویژگی‌های شخصیتی منجر به عدم سازگاری زوجین می‌گردد (اشرفیان لک و باقری، ۱۳۹۹). هس، رائوسچر، بادسکی، گودمن و کوریت^۲ (۲۰۲۰) در پژوهشی وجود شش شاخص اصلی را در خانواده‌های قوی، بانشاط و از نظر عاطفی سالم برشمردند که از میان عوامل مذکور از الگوهای ارتباطی مثبت به عنوان یکی از عوامل مؤثر اشاره کردند. موضوع ارتباطات در روابط زناشویی به قدری مهم است که بیش از ۹۰ درصد زوجین آشفته‌ناتوانی در برقراری ارتباط را به عنوان یک مسئله مهم در روابط خود مطرح کرده‌اند. به طوری که می‌توان گفت، شایع‌ترین مشکلی که در میان زوج‌ها به چشم می‌خورد عدم موفقیت در برقراری ارتباط صحیح است (دایان، فوکس و موراگ، ۲۰۱۳). الگوهای ارتباطی زوجین را که کارایی خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهند سه دسته می‌دانند (مانفردینی و پرسچی و مازونی^۳، ۲۰۱۰). الگوی سازنده متقابل، که مهم‌ترین نوع آن برنده - برنده است و در آن همسران با طرح مسائل خود از واکنش‌های غیرمنطقی و پرخاشگرانه خودداری می‌کنند، الگوی اجتنابی متقابل که در آن کشمکش میان همسران بسیار است، به گونه‌ای که بحث و جدل تبدیل به یک الگوی همیشگی و ویرانگر شده است و نهایتاً الگوی توقع/کناره‌گیری که به دو شکل توقع مرد/کناره‌گیری زن و توقع زن/کناره‌گیری مرد است. این الگوی یکی از رایج‌ترین الگوهای ارتباطی زوجین بوده که به

1. Dayan, K; Fox, S; & Morag, M

2. Hesse, C; Rauscher, E. A; Budesky, M; Goodman R; & Courrette, M. A

3. Manfredini, M. Breschi, M. & Manzoni, S

شکل یک چرخه بوده که با افزایش یکی دیگری افزایش یافته و تشدید این الگو منجر به مشکلات دائم زناشویی می شود. در این الگو فرد متوقع فردی است وابسته و فرد کناره‌گیر ترس از وابسته شدن دارد. مشکلات ارتباط بین دو جنس به این علت وجود دارد که مردان و زنان یاد نگرفته‌اند زبان همدیگر را درک کنند. در واقع مهارت چگونگی بیان خواسته‌ها و نیازهایشان را بلد نیستند (دایانا، فوکس و موراگ، ۲۰۱۳). از طرف دیگر زنان مهارت‌های کلامی بهتری دارند که قابل مقایسه با شوهران آنان نیست، هم‌چنین بسیاری از زنان از تأثیر زیاد انتقاد یا حرف‌های تحقیرآمیز خود بر روی مردان آگاهی ندارند، به ویژه اگر گفته‌ها به طور مستقیم مردانگی آنان را زیر سوال ببرد (هالکت، ۲۰۱۴).

صمیمیت می‌تواند تعاملات بین زوجین را متأثر سازد. صمیمیت یک فرایند تعاملی است (بختیاری، حسینی، عارفی و افشاری نیا، ۱۴۰۰). فردی که میزان صمیمیت بالاتری را تجربه می‌کند قادر است خود را به شیوه مطلوب‌تری در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شکل موثرتری به شریک و همسر خود ابراز کند (معاذی نژاد، عارفی و امیری، ۱۳۹۹). اما پیامدهای مشکلات ارتباطی از جمله ترس از صمیمیت ممکن است به صورت پنهان در بستر خانواده ادامه یابد و موجودیت خانواده را مورد تهدید قرار دهد. داشتن ارتباط خوب، نقشی تعیین‌کننده در ایجاد احساس امنیت و صمیمیت برای زوجین دارد (استنلی، مارکمن^۱، ۲۰۰۰). وقتی ظرفیت و توانمندی فرد برای ابراز صمیمیت تحلیل رود، ترس از صمیمیت شکل می‌گیرد (پراگر^۲، ۱۹۸۶). کسانی که از آسیب‌پذیری می‌ترسند، به احتمال زیاد از صمیمیت نیز خواهند ترسید و مشکلات بیشتری را در روابط مهم‌شان تجربه خواهند کرد (جیمز و جفری^۳، ۲۰۰۴). این افراد خواهان ارتباط بین شخصی هستند ولی از طرد می‌ترسند، در نتیجه طی ارتباط کلامی و غیر کلامی با دیگران اضطراب را تجربه می‌کنند (یالوم، ترجمه حبیب، ۱۳۸۶). با افزایش ترس از

1. Stanley, S. M; & Markman, H. G
 2. Prager, K.J
 3. James, L. M; & Jeffrey, S. A

صمیمیت، برقراری و تداوم ارتباط، احساس مثبت نسبت به روابط نزدیک و ابراز احساسات و عواطف برای زنان با مشکل مواجه می‌شود (دسکاتنر و تلن^۱، ۱۹۹۱). همچنین ترس از صمیمیت می‌تواند همسرآزاری را که تأثیر اساسی بر سلامت جسمی و روحی زنان دارد را افزایش دهد (وان هیگتور، گورتو و دموس^۲، ۲۰۰۰).

بیش از یک سوم مراجعه‌کنندگان به اورژانس‌ها در امریکا قربانی خشونت همسر هستند (بیروسکاک، اسمیت^۳، ۲۰۰۶). شیوع همسرآزاری در کشورهای اروپایی نیز قابل توجه است. چنانچه یک مطالعه نشان داده است، از هر پنج زن مراجعه‌کننده به اورژانس‌ها در انگلستان، یک زن انواع بدرفتاری‌ها را تجربه می‌کند (ریچاردسون و موری^۴، ۲۰۰۰). بدرفتاری نسبت به همسر در کشورهای در حال توسعه بسیار بیشتر است (الماردی^۵، ۲۰۰۵؛ هالکت، ۲۰۱۴). مطالعه‌ای در شیلی نشان داد که از هر ۴ زن، یک زن بدرفتاری جسمانی و از هر ۳ زن یک زن بدرفتاری عاطفی را تجربه می‌کند (مک وایتر^۶، ۱۹۹۹). چیلدرس، جیویا و کمپبل^۷ (۲۰۱۸) به بررسی تأثیرات نامطلوب خشونت خانگی خشونت خانگی علیه زنان در قرقیزستان پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که زنان طیف وسیعی از استراتژی‌ها را برای پیشگیری، دفع و کاهش خشونت اتخاذ می‌کنند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که دولت‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد باید اقدامات بیشتری برای جذب زنان به خدمات پیشگیری از خشونت رسمی انجام دهند و فراهم نمودن کمک حرفه‌ای در سطوح مختلف کلینیکی اجتماعی و ارتقا استراژی‌های مسئله محور به عنوان بخش مداخله درمانی ضروری است.

الوز، مالنتا و موریز^۸ (۲۰۲۰) به بررسی تأثیر سیاست‌های اخیر دولت علیه خشونت

1. Descutner, C. J; & Thelen, M. H
2. Van Hightower, N. R; Gorton, J; & Demos, C. L
3. Biroscak, B. G; & Smith, P
4. Richardson, J; & Moorey, S
5. Elmardi, A. E. A
6. Mc Whirter, P. T
7. Childress, S; Gioia, D; & Campbell, J.C
8. Alves, V; Manlta, C; & Morais, L

خانگی در کشور پرتغال پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها تأثیر مثبت این سیاست‌ها را نشان می‌دهد. از نظر نمونه‌ای از زنان که این سیاست‌ها بر آن‌ها اعمال شده‌اند رفتارهای خشونت‌آمیز کمتر به عنوان اموری عادی تلقی می‌شدند و این رفتارها به عنوان جرم و سوءاستفاده‌های روان‌شناختی تعریف می‌شدند.

در پژوهش‌های انجام شده با موضوع همسرآزاری، به رابطه بین متغیرهای مختلف از جمله بین مشاهده‌ی خشونت در خانواده اصلی و کودک‌آزاری با اعمال خشونت در بزرگسالی (قره باغی، ۱۳۸۰) پرداخته شده. همچنین بین ارتباط همسرآزاری با سن زن، سطح تحصیلات، شغل و خشونت در خانواده و نوع ازدواج و طبقه اجتماعی خانواده، بیماری جسمی و عصبی زن، محل تولد زن و شوهر و تعداد فرزندان (ملک‌شاهی و فرهادی، ۱۳۸۳؛ نریمانی، ۱۳۸۴؛ پناغی، قهاری و یوسفی ۱۳۸۵؛ هاشمی‌نسب، ۱۳۸۵) پرداخته شده است.

در پژوهش‌های دیگری بین مهارت‌های زندگی، مدیریت خشم، سابقه بزهکاری، تعارض، مشکلات ارتباطی، خصومت‌های جنسی، اسنادهای منفی، حسادت، آشفتگی ارتباطی، سابقه آزار جنسی، کنترل خود و اجتماعی شدن خشونت (فاطمی، داوودی و فشارکی، ۱۳۹۰؛ محمدخانی، ۱۳۹۰؛ اتمن و آدنان^۱، ۲۰۱۱؛ موریل^۲، ۲۰۱۴) با همسرآزاری ارتباط معناداری وجود دارد.

در باب اهمیت پرداختن به همسرآزاری می‌توان گفت زنان عامل امنیت خاطر و شکل‌گیری پیوندهای اخلاقی و عاطفی خانواده و به تبع آن جامعه هستند (عباس‌زاده، سعادت و دلیر هروی، ۱۳۹۱). همسرآزاری شایع‌ترین شکل خشونت، همراه با بیشترین احتمال تکرار، کمترین گزارش به پلیس و بیشترین عوارض اجتماعی، روانی و اقتصادی است که در بیشتر موارد غالباً توسط نزدیک‌ترین فرد خانواده (مانند شوهر) به وقوع می‌پیوندد (بختیاری و امید بخش، ۱۳۸۲؛ جانسون و جانسون، ۲۰۰۰). از سوی دیگر

1. Othman, S; & Adenan, N. A. M
2. Morril, M

همسرآزاری معمولاً با خشونت علیه کودکان همراه است و چنانچه زن و کودک در معرض آن قرار گیرند، سلامت جامعه به کلی تهدید می‌شود، این در حالی است که با در نظر گرفتن این که اکثر افراد خشونت دیده خود به نوعی عامل خشونت در آینده می‌شوند، سیکل معیوب خشونت سبب خشونت بیشتر خواهد شد (کیم، ۲۰۰۷). حال با توجه به نقش مهم و کلیدی الگوهای ارتباطی و ترس از صمیمیت در زندگی زوجین، این سؤال مطرح است که آیا الگوهای ارتباطی و ترس از صمیمیت توان پیش‌بینی آزار دیدگی در روابط زناشویی در زنان متأهل را دارد؟

روش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر را کلیه‌ی زنان متأهل شهر تهران تشکیل داده‌اند. ابتدا مناطق تهران به ۵ ناحیه شمال، جنوب، غرب، شرق و مرکز تقسیم شده‌اند. سپس به صورت تصادفی یک ناحیه و سپس یک منطقه (منطقه ۱۲) به صورت قرعه‌کشی انتخاب و افراد نمونه به صورت در دسترس و هدفمند در مکان‌های عمومی از قبیل فرهنگسراها، پارک‌ها به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند.

ملاک‌های ورود و خروج (فاصله‌ی سنی بین ۵۵-۳۰ سال، گذشتن حداقل ۵ سال از زندگی زناشویی آن‌ها، زندگی با همسر در یک خانه و عدم سوء مصرف مواد) به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند و پس از توجیه آن‌ها، به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ دادند. حجم نمونه برابر با ۳۰۰ نفر می‌باشد که این حجم نمونه با توجه به تعداد متغیرهای پیش‌بین به ازای هر پیش‌بین ۴۰ نفر در نظر گرفته شده است. با در نظر گرفتن افت پرسشنامه ۳۵۰ پرسشنامه تکمیل گردید. از بین ۳۵۰ نفر، ۵۰ پرسشنامه به دلیل عدم تکمیل کردن پرسشنامه، ناقص بودن پاسخ به سؤالات پرسشنامه کنار گذاشته شد و در مجموع ۳۰۰ پرسشنامه در پژوهش حاضر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. میانگین سنی افراد نمونه ۳۷ سال و ۳۷ روز و میانگین مدت زمان ازدواج، ۱۵ سال و ۴۷ روز، بیشترین افراد نمونه دارای تحصیلات فوق دیپلم و غیر شاغل بودند.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه الگوهای ارتباطی^۱ CPQ-SF: این پرسشنامه در سال ۱۹۹۰ توسط کریستنس و هیوی^۲ در دانشگاه کالیفرنیا تهیه شده است و دارای ۱۱ سوال است. پاسخ‌ها در یک مقیاس نه درجه‌ای لیکرت از یک (غیرممکن است) تا نه (خیلی ممکن است) درجه بندی شده است و رفتارهای زوجین را در طول سه مرحله از تعارض زناشویی برآورد می‌کند. این سه مرحله عبارتند از زمانی که در روابط زوجین مشکل ایجاد می‌شود، در مدت زمانی که درباره مشکل ارتباطی بحث می‌شود و بعد از بحث در مورد مشکل ارتباطی. هم‌چنین این پرسشنامه دارای ۴ زیر مقیاس است. مقیاس زن متوقع / مرد کناره‌گیر، مرد متوقع / زن کناره‌گیر، متوقع / کناره‌گیر کلی و مقیاس ارتباط سازنده متقابل. نمره بالا در مقیاس سازنده متقابل بیانگر ارتباط بهتر و نمره‌های پایین نشان دهنده ارتباط بدتر است؛ اما نمره بالا در سه مقیاس ارتباط زن متوقع / مرد کناره‌گیر، مرد متوقع / زن کناره‌گیر و متوقع / کناره‌گیر کلی نشان دهنده ارتباط بدتر و نمره پایین نشان دهنده ارتباط بهتر است. تحقیقاتی که از این پرسشنامه استفاده نموده‌اند، روایی و پایایی قابل قبولی را در مورد خرده مقیاس‌های مختلف آن ارائه نموده‌اند. همبستگی به دست آمده برای سه خرده مقیاس ارتباط سازنده متقابل، ارتباط اجتناب متقابل و ارتباط توقع / کناره‌گیری به ترتیب عبارت از ۰/۵۸، ۰/۵۸، و ۰/۳۵ است که همگی در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار بودند. برای تعیین پایایی پرسشنامه، همبستگی درونی در مورد خرده مقیاس‌های این پرسشنامه محاسبه گردیده و ارقام بدست آمده به ترتیب عبارت بودند از: سازنده متقابل ۰/۵۰، اجتنابی متقابل ۰/۵۱، مرد متوقع / زن کناره‌گیر ۰/۵۳ و زن متوقع / مرد کناره‌گیر ۰/۵۵. کریستنس و هیوی (۱۹۹۰) پایایی خرده مقیاس‌های این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ از ۰/۵۰ تا ۰/۷۸ گزارش نموده‌اند. این پرسشنامه را اخلاقی (۱۳۹۳) در ایران اعتبار یابی کرده است و این مقیاس از روایی

1. Communication Patterns Questionnaire Short-form

2. Christensen, A; & Heavey, C. L

صوری و محتوای مناسب برخوردار می‌باشد. به منظور برآورد روایی پرسشنامه، همبستگی بین خرده مقیاس‌های این پرسشنامه را با پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ به ترتیب برابر با $0.58/0.58/0.35$ ؛ و 0.74 . گزارش کرده است. در پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ این پرسشنامه 0.67 است.

مقیاس ترس از صمیمیت^۱ (دسکاترتولن، ۱۹۹۱) مقیاس ۳۵ ماده‌ای خودگزارشی است که به منظور سنجش اضطراب‌های مربوط به روابط نزدیک توسط دسکاترتولن و تلن، ۱۹۹۱ تهیه شده است. ماده‌های پرسشنامه ترس از صمیمیت بر ترس‌های مربوط به برقراری ارتباط با دیگران یا درگیر شدن در روابط نزدیک، صمیمانه و عاشقانه و به ویژه ترس‌های مربوط به خود افشایی در این زمینه‌ها تمرکز می‌کند. روش نمره‌گذاری به صورت روش لیکرت بر روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از ۱ (به هیچ وجه توصیف‌کننده من نیست) تا ۵ (کاملاً توصیف‌کننده من است) است. نتایج مطالعه‌ی اولیه‌ی دسکاترتولن و تلن (۱۹۹۱) نشان داد که ترس از صمیمیت از همسانی درونی بالا (آلفای کرونباخ، 0.93) و پایایی بازآزمایی - بالایی ($r=0.89$) برخوردار است. به علاوه تحلیل عاملی این آزمون نشان داد که تنها یک عامل که $0.33/0.4$ واریانس را برآورد می‌کند، در مقیاس غالب است، که حاکی از روایی سازه این مقیاس به عنوان آزمونی است که ماهیتاً تک بعدی است. این مقیاس به طور مثبت با مقیاس تنهایی و به طور منفی با مقیاس‌های خودافشایی، صمیمیت اجتماعی و جذابیت اجتماعی همبستگی داشته است (دسکاترتولن و تلن، ۱۹۹۱). در ایران این پرسشنامه توسط فلاح زاده و همکاران (۱۳۹۱) اعتباریابی شد. تحلیل عاملی ۲ عامل را در بین ۳۵ سوال آشکار ساخته است عامل ۱ ترس از صمیمیت در رابطه با همسر و عامل ۲ ترس از صمیمیت در رابطه با دیگران است (در پژوهش حاضر از این دو عامل عامل اول ۳۰ سوال اول را در نظر گرفتیم). همسانی درونی کل مقیاس 0.83 . عامل ۱، 0.81 ؛ و عامل ۲، 0.79 ؛ و ضریب اعتبار

بازآزمایی کل مقیاس ۹۲/؛ و برای عامل‌های فرعی ۱ و ۲ به ترتیب ۸۷/؛ و ۸۵/ به دست آمده است. در پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ این پرسشنامه برابر با ۰/۸۰ است. پرسشنامه همسرآزاری^۱: این پرسشنامه توسط قهاری، عاطف وحید و یوسفی (۱۳۸۴) براساس معیارهای تشخیصی همسرآزاری موجود در ادبیات روان‌پزشکی و روان‌شناسی تدوین شده است و انواع بدرفتاری جنسی، جسمی و عاطفی را مورد سنجش قرار می‌دهد. این پرسشنامه به روش لیکرت ۴ درجه‌ای (هرگز، گاهی، اغلب، همیشه) نمره‌گذاری می‌شود. بدرفتاری جنسی از ۱۴ ماده، بدرفتاری جسمی از ۱۰ ماده و بدرفتاری عاطفی از ۲۰ ماده تشکیل شده است. پایایی بخش‌های بدرفتاری‌های جسمی، جنسی و عاطفی به ترتیب ۹۶/۰۹۸؛ و ۹۸/۰۹۸ گزارش شده است (قهاری و همکاران ۱۳۸۴). در پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ این پرسشنامه برابر با ۰/۹۰ است.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی مؤلفه‌های متغیر الگوهای ارتباطی، ترس از صمیمیت و مؤلفه‌های همسرآزاری در زنان متأهل

متغیرها	میانگین	انحراف معیار
زن متوقع/مرد کناره‌گیر	۱۷/۱۳	۶/۲۲
مرد متوقع زن کناره‌گیر	۱۴/۹۲	۶/۳۰
متوقع کناره‌گیر کلی	۲۱/۱۱	۷/۱۱
سازنده متقابل	۲۱/۶۶	۵/۴۷
ترس از صمیمیت	۱۰۰/۰۲	۱۸/۷۵
همسرآزاری فیزیکی	۱۲/۶۰	۴/۱۳
همسرآزاری عاطفی	۳۱/۵۸	۸/۷۹
همسرآزاری جنسی	۱۲/۱۴	۶/۳۴

جدول ۲- ماتریس همبستگی مؤلفه‌های الگوهای ارتباطی با مؤلفه‌های همسرآزاری و ترس از صمیمیت

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
زن	۱							
متوقع/مردکناره‌گیر								
مرد متوقع/ زن	۰/۴۰۰	۱						
کناره‌گیر								
متوقع/ کناره‌گیر	۰/۸۲۲	۰/۷۱۲	۱					
کلی								
سازنده متقابل	۰/۱۰۲	۰/۱۸۹	۰/۱۵۲	۱				
همسرآزری	-۰/۰۴۷	۰/۱۳۳*	-۰/۰۲۵	-۰/۱۸۴**	۱			
فیزیکی								
همسرآزری	۰/۱۰۸	۰/۲۱۶**	۰/۱۴۵*	-۰/۲۵۶**	۰/۷۰۵**	۱		
عاطفی								
همسر آزاری	-۰/۰۱۸	۰/۰۹۳	۰/۰۷۲	-۰/۲۰۶**	۰/۴۹۴**	۰/۴۹۶**	۱	
جنسی								
ترس از صمیمیت	۰/۳۲۴**	۰/۱۳۱*	۰/۲۱۴**	۰/۰۶۷	۰/۰۲۵	۰/۰۸۶	-۰/۰۴۴	۱

* سطح معناداری ۰/۰۵ - ** سطح معناداری ۰/۰۱

نتیجه بدست آمده از تحلیل همبستگی در جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که بین متغیر الگوهای ارتباطی زن متوقع/ مرد کناره‌گیر با همسرآزاری هیچ رابطه‌ای وجود ندارد. بین الگوی ارتباطی مرد متوقع/ زن کناره‌گیر با همسرآزاری فیزیکی و عاطفی رابطه وجود دارد. الگوی ارتباطی متوقع/کناره‌گیر کلی با همسرآزاری عاطفی ارتباط دارد و الگوی ارتباطی سازنده متقابل با همسرآزاری فیزیکی، عاطفی و جنسی رابطه‌ی منفی دارد. نتیجه‌ی بدست آمده از تحلیل همبستگی نشان می‌دهد که بین ترس از صمیمیت با همسرآزاری (فیزیکی، عاطفی و جنسی) هیچ رابطه‌ای وجود ندارد.

همچنین نتایج بدست آمده از تحلیل همبستگی بین متغیر مؤلفه‌های الگوهای ارتباطی و ترس از صمیمیت نشان می‌دهد که الگوی ارتباطی زن متوقع/مرد کناره‌گیر،

مرد متوقع/زن کناره‌گیر و متوقع/کناره‌گیر کلی با ترس از صمیمیت رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد.

از آنجا که بین متغیر ملاک یعنی همسرآزاری و مؤلفه‌های پیش‌بین الگوهای ارتباطی ارتباط معناداری وجود دارد، برای پاسخ به این سوال که از بین متغیرهای پیش‌بین کدام یک توان پیش‌بینی همسرآزاری را دارند از رگرسیون گام به گام استفاده شد که در جدول ۳ نتایج آن نشان داده شده است.

جدول ۳- ضرایب تأثیر بتا و t، رگرسیون گام به گام مؤلفه‌های پیش‌بین

الگوی ارتباطی بر همسرآزاری فیزیکی، عاطفی و جنسی

سطح معناداری t	مقدار t	بتا	مقدار استاندارد شده		شاخص آماری
			خطای استاندارد	بتا	
۰/۰۰۱	-۳/۷۸	-۰/۲۱۹	۰/۰۳۸	-۰/۱۴	سازنده متقابل (فیزیکی)
۰/۰۱۹	۲/۳۶	۰/۱۳۷	۰/۰۳۲	۰/۰۷۶	مرد متوقع/ زن کناره‌گیر
۰/۰۰۱	-۵/۸۰۴	-۰/۳۲۰	۰/۰۸۷	-۰/۵۰۸	سازنده متقابل (عاطفی)
۰/۰۰۱	۴/۹۹۸	۰/۲۷۵	۰/۰۷۴	۰/۳۶۷	مرد متوقع/ زن کناره‌گیر
۰/۰۰۱	-۳/۶۱	-۰/۲۰۸	۰/۰۶۷	۰/۲۴۳	سازنده متقابل (جنسی)
۰/۰۱۷	۲/۴۰	۰/۱۳۸	۰/۰۵۷	۰/۱۳۸	مرد متوقع/ زن کناره‌گیر

با توجه به جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان می‌دهد که از بین متغیرهای پیش‌بین در گام اول، الگوی ارتباطی سازنده متقابل توان پیش‌بینی متغیر ملاک (همسرآزاری فیزیکی، عاطفی و جنسی) و در گام دوم الگوی ارتباطی سازنده متقابل و الگوی ارتباطی مرد متوقع/ زن کناره‌گیر پیش‌بینی همسرآزاری فیزیکی، عاطفی و جنسی را داشتند؛ اما سایر متغیرها به دلیل اینکه توان پیش‌بینی کافی نداشتند از معادله‌ی رگرسیون خارج شدند. نتایج تحلیل واریانس و مشخصه‌های آماری رگرسیون بین میانگین همسرآزاری فیزیکی و عاطفی و جنسی با متغیرهای پیش‌بین به ترتیب در جدول ۳ ارائه شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی آزار دیدگی در روابط زناشویی بر اساس الگوهای ارتباطی و ترس از صمیمیت در زنان متأهل صورت گرفت. مطابق نتایج حاصل از پژوهش، بین الگوی ارتباطی زن متوقع / مرد کناره‌گیر با همسرآزاری (فیزیکی، عاطفی و جنسی)، رابطه وجود ندارد. این یافته‌ها با یافته‌های شاهقلیان، جان نثار شرق و عبداللهی (۱۳۸۶)، بهرامی، نظری و زهراکار (۱۳۹۳)، شیرمن و دامائو (۲۰۰۸)، رز (۲۰۰۵)، گریفین (۲۰۱۲) و لینوس، کاواجا و کاپلان (۲۰۱۲) همسو می‌باشد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که در ایران شرایط تربیتی و فرهنگی به گونه‌ای است که زنان خود را مسئول تمام اتفاقات و تغییرات می‌دانند. این باور که زن می‌تواند شوهر خود را تغییر دهد و کنترل خود و همسر را به طور کامل در دست داشته باشد، در فرهنگ ایران شایع است و در مقابل مردان توجه زیادی به این موارد ندارند و از بحث کردن و صحبت کردن خودداری می‌کنند و سعی در نادیده گرفتن و انکار مشکلات دارند و در نتیجه نسبت به مشکلات بی‌تفاوت هستند و هیچ اقدامی در جهت حل مشکل نمی‌کنند. همچنین از آنجا که آمار همسرآزاری مردان نسبت به زنان ۸۲ درصد و آمار همسرآزاری زنان نسبت به مردان ۷-۸ درصد است، می‌توان نتیجه گرفت که وقتی الگوی ارتباطی زن متوقع / مرد کناره‌گیر باشد، همسرآزاری نسبت به زن اتفاق نمی‌افتد (لینوس، کاواجا و کاپلان، ۲۰۱۲).

طبق نتایج تحلیل همبستگی، بین الگوی ارتباطی مرد متوقع / زن کناره‌گیر با همسر آزاری فیزیکی و عاطفی رابطه‌ی مستقیم و معنادار وجود دارد. می‌توان گفت این یافته‌ها با یافته‌های شعاع کاظمی (۱۳۸۹)، محمد خانی (۱۳۸۵)، یالسن (۲۰۰۹)، ریچاردسون و پتروسکوچ (۲۰۰۲)، شلینگ (۲۰۰۳)، دنتون و بارسلون (۲۰۰۷) و موریل (۲۰۱۴) همخوان می‌باشد

در تبیین این یافته می‌توان گفت اگر در رابطه‌ی زناشویی مرد از همسر خود توقع داشته باشد و زن کناره‌گیری کند، و در ارتباط مرد حرف اول و آخر را بزند، زن به سمت دوری‌گزینی می‌رود. در این حالت مرد برای اینکه زن را به داخل بحث بکشاند ممکن است از خشونت فیزیکی و عاطفی استفاده کند (آلن و کراداک^۱، ۲۰۰۸). در تبیین اینکه چرا رابطه این الگو با همسرآزاری جنسی معنادار نشد، می‌توان گفت که با توجه به اینکه زنان بیشتر از مردان روابط جنسی را با عشق و علاقه همبسته می‌بینند، تحت چنین شرایطی ممکن است از بحث کردن درباره موضوعات جنسی با همسرشان پرهیزند و از داشتن صداقت درباره احساسات جنسی با همسر طفره برونند و از ابراز نیاز به داشتن رابطه جنسی با همسرشان خودداری کنند (آستانگل و آلسوف^۲، ۲۰۱۲).

مطابق نتایج حاصل از پژوهش، بین الگوی ارتباطی مرد متوقع / زن کناره‌گیر با همسرآزاری عاطفی رابطه‌ی مستقیم و معنادار وجود دارد. این یافته با یافته‌های محمدخانی (۱۳۸۵)، کشتکار (۱۳۹۱)، خجسته مهر، کوچکی و رجبی (۱۳۹۱)، میچل (۲۰۰۶)، و موریل (۲۰۱۴) همسو می‌باشد. نتایج تحقیقات نشان می‌دهند که یکی از علل تعارضات زناشویی، ناتوانی و ضعف مهارت‌های زوجین در کنترل اختلافات و حل آن بوده است و ارتباط منفی که منجر به کاهش رضایتمندی و افزایش تعارضات زناشویی می‌گردد، الگوی توقع / کناره‌گیری زوج است (سامان و مارتین^۳، ۲۰۱۵). زوج‌هایی که الگوی ارتباطی آن‌ها عمدتاً توقع / کناره‌گیری است، در طی زمان رضایت زناشویی خود را از دست داده و به سوی طلاق کشیده میشوند (رایس و گرینیر^۴، ۲۰۰۴). در تبیین اینکه این الگو فقط با همسرآزاری عاطفی ارتباط دارد می‌توان گفت که از آنجا که زوجین از طریق الگوهای توقع / کناره‌گیر بیشتر عواطف منفی خود را منتقل می‌کنند، بنابراین می‌توان گفت در این پژوهش مردان زمانی که دارای هیجانات خشم می‌باشند، الگوی

1. Alan, E; & Cradok, A
 2. Stanley, E; & Althof, B
 3. Samman, S; & Martin, C
 4. Reis, H. T; & Grenyer, B. F. S

ارتباطی زوجین از نوع الگوی توقع / کناره‌گیر کلی است.

مطابق نتایج حاصل از پژوهش بین ارتباط سازنده متقابل با انواع همسرآزاری رابطه‌ی منفی و معکوس وجود دارد. این یافته با یافته‌های شعاع کاظمی (۱۳۸۹)، کشت کار (۱۳۹۱)، بهرامی و همکاران (۱۳۹۳)، شلینگ (۲۰۰۳)، گریفین (۲۰۱۲) همسو می‌باشد. در تبیین رابطه‌ی منفی بین این الگو با همسرآزاری می‌توان گفت که افرادی که دارای الگوی ارتباطی سازنده‌ی متقابل هستند، بهتر می‌توانند موقعیت‌های چالش‌برانگیز را مدیریت کنند و عموماً زوجینی که بر سر موضوعات به راحتی بحث می‌کنند، احساسات خود را به شیوه‌ای مثبت ابراز می‌دارند و در حل مشکلات به دنبال رسیدن به یک توافق متقابل هستند، در نتیجه کمتر از خشونت استفاده می‌کنند.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که ترس از صمیمیت با انواع همسرآزاری رابطه ندارد. در تبیین اینکه ترس از صمیمیت با همسرآزاری رابطه نداشته می‌توان گفت زنانی که ترس از صمیمیت دارند، هیجانات منفی ناشی از برخورد با موقعیت‌هایی که مستلزم نزدیکی عاطفی هستند مانند ترس از شکستن حریم‌های شخصی، ترس از وابستگی عاطفی و رهاشدگی، خشم و خستگی از کش و قوس‌های مرتبط با نزدیکی و اجتناب را سرکوب می‌کنند و متعاقباً مسئله بوجود آمده در رابطه را انکار و از پرداختن به آن اجتناب می‌کنند (بشارت، ۱۳۹۱). همین مسئله باعث می‌شود که در نتیجه مسئله‌ای برای خشونت از طرف مرد باقی نماند. این یافته با یافته‌های کشتکار (۱۳۹۱)، بشارت (۱۳۹۱)، همخوان می‌باشد. مطابق نتایج حاصل از پژوهش، بین ترس از صمیمیت با الگوی ارتباطی زن متوقع/مرد کناره‌گیر، مرد متوقع/زن کناره‌گیر و متوقع/کناره‌گیر کلی رابطه‌ی مستقیم و معنادار وجود دارد، اما بین ترس از صمیمیت با الگوی ارتباطی سازنده متقابل ارتباط معنادار یافت نشد. الگوهای ارتباطی زوجین یکی از عواملی است که می‌تواند در تمام ابعاد با ترس از صمیمیت همبستگی معنادار داشته باشد

(اینگرسول^۱، ۲۰۰۸). الگوهای ارتباطی اجتنابی و کناره‌گیر / توقع دارای همبستگی مثبت با ترس از صمیمیت می‌باشد که نشان دهنده‌ی آن است که زنانی که در حین مشکلات و پس از آن الگوهای اجتنابی یا کناره‌گیری / متوقع را در پیش می‌گیرند، صمیمیت کمتری با همسرشان دارند و در واقع این الگو مانعی برای صمیمی شدن و یا حفظ صمیمیت همسران به شمار می‌آید، زیرا علی‌رغم دوری کردن همسر اجتناب‌کننده، از بحث در مورد مشکلات، این مسائل به صورت حل نشده باقی می‌ماند و زندگی و ارتباطات همسران اجتناب‌کننده، به صورت موازی پیش می‌رود که عاملی در دور ماندن آن‌ها از یکدیگر و عدم برقراری روابط نزدیک می‌باشد (اینگرسول، ۲۰۰۸؛ زیمانکی و هیلتون^۲، ۲۰۱۳). در تبیین اینکه ترس از صمیمیت با الگوی ارتباطی سازنده متقابل رابطه ندارد می‌توان گفت که هیجانانگیز مثبت و تعاملات مثبت باعث افزایش صمیمیت زوجین می‌شود. صمیمیت است که به استحکام بیشتر زندگی زناشویی می‌انجامد (ابراهیمی و ثنایی‌ذاکر، ۱۳۹۰). داشتن خود افضایی، ابراز احساسات و داشتن روابط باز و تمایل به حل مساله و وجود صمیمیت در رابطه، از مشخصه‌های الگوی ارتباط سازنده متقابل است (ابراهیمی و ثنایی‌ذاکر، ۱۳۹۰). این یافته‌ها با یافته‌های پژوهش ابراهیمی و ثنایی‌ذاکر (۱۳۹۰)، بشارت (۱۳۹۱)، کشتکار (۱۳۹۱) همخوانی دارد.

در تبیین رابطه منفی الگوی سازنده متقابل با همسرآزاری می‌توان گفت که افرادی که دارای الگوی ارتباطی سازنده متقابل هستند، بهتر می‌توانند موقعیت‌های چالش برانگیز را مدیریت کنند و عموماً زوجینی که بر سر موضوعات به راحتی بحث می‌کنند احساسات خود را به شیوه‌ای مثبت ابراز می‌دارند و در حل مشکلات به دنبال رسیدن به یک توافق متقابل هستند، در نتیجه کمتر از خشونت استفاده می‌کنند. یعنی هر چه زوجین بیشتر از این الگو در رابطه استفاده کنند مردان کمتر دست به خشونت می‌زنند و

1. Ingersoll, T. S
2. Szymanski, D; & Helyon, A

الگوی مرد متوقع / زن کناره‌گیر پیش‌بینی‌کننده مثبت همسرآزاری می‌باشد یعنی هر چه در رابطه مرد متوقع و زن کناره‌گیر باشد، مرد بیشتر دست به خشونت می‌زند. در تبیین این موضوع می‌توان گفت که زوجین در الگوی ارتباطی سازنده متقابل در رابطه با موضوعات صحبت می‌کنند، احساسات خود را به شیوه‌ای مثبت بیان می‌کنند و تلاش می‌کنند مشکلات را حل کنند. در واقع زوجینی که بر سر موضوعات به راحتی بحث می‌کنند، احساسات خود را به شیوه‌ای مثبت ابراز می‌دارند و در حل مشکلات به دنبال رسیدن به توافق متقابل هستند، رضایت بیشتری از خود نشان می‌دهند. از مشخصه‌های اصلی الگوی ارتباطی سازنده متقابل این است که در طی آن طرفین رابطه سعی می‌کنند در مورد مسائل ارتباطی خود گفتگو کنند و به نحوی مسالمت‌آمیز آن را حل کنند، برای مشکل ارتباطی پیشنهاد راه حل و مذاکره بدهند و احساساتشان را به هم ابراز دارند. این یافته با یافته‌های شجاع کاظمی (۱۳۸۹)، کشتکار (۱۳۹۱)، بهرامی و همکاران (۱۳۹۳)، شلینگ (۲۰۰۳)، گریفین (۲۰۱۲) همسو می‌باشد. در تبیین این موضوع که مرد متوقع / زن کناره‌گیر پیش‌بینی‌کننده‌ی مثبت همسرآزاری است، می‌توان گفت که به طور کلی مشاهده شده هر اندازه زن و شوهر از توان گفت و شنود کمتری برخوردار باشند، تمایل بیشتری دارند که مشکلات را از طریق توسل به خشونت کلامی و رفتاری حل و فصل کنند (کشتکار، ۱۳۹۱). اگر مردان بدون آنکه از نیازهایشان حرفی زده باشند نیازهایشان توسط همسرشان برآورده نشود دچار یاس و ناکامی شده و به صورت تکانشی عمل می‌کنند (خجسته مهر و همکاران ۱۳۹۱). مردان توقع دارند که اگر همسرشان آن‌ها را دوست داشته باشند، می‌تواند ذهن آن‌ها را بخواند، به همین دلیل خواسته‌هایشان را در میان نمی‌گذارند، ولی اگر همسرشان خواسته‌های آنان را درک نکند و از رابطه کناره‌گیری کند و از طرفی مردان بر این باور باشند که همسرشان قادر به تغییر رفتارهای خود نیست، جهت تغییر رفتارهای همسرشان به پرخاشگری و خشونت متوسل می‌شوند (کشتکار، ۱۳۹۱). مردانی که توقع بالایی در زمینه جنسی از همسرشان دارند، در صورتی

که همسرشان آمادگی کافی برای رابطه‌ی جنسی در تمام موقعیت‌ها را نداشته باشد، و یا اینکه از داشتن رابطه جنسی کناره‌گیری کند به نظر می‌رسد که کمتر از مهارت‌های حل مساله استفاده می‌کنند و برای داشتن رابطه جنسی از خشونت استفاده نمی‌کنند (سامان و مارتین، ۲۰۱۵). این نتایج با یافته‌های شعاع کاظمی (۱۳۸۹)، در مورد بررسی پیوند الگوهای ارتباطی با خوشنودی زناشویی)، محمد خانی (۱۳۸۵)، یالسنین (۲۰۰۹)، ریچاردسون و پتروسکوچ (۲۰۰۲)، شلینگ (۲۰۰۳)، دنتون و بارسلون (۲۰۰۷) و موریل (۲۰۱۴) همخوان می‌باشد.

یافته‌های این پژوهش نشانگر آن بود که همسرآزاری می‌تواند پیامد استفاده از الگوهای ارتباطی ناسالم (مرد متوقع/ زن کناره‌گیر و متوقع/ کناره‌گیر کلی) در خانواده باشد. به گونه‌ای که مشاهده شد استفاده از الگوی مرد متوقع/ زن کناره‌گیر و متوقع/ کناره‌گیر کلی همسرآزاری فیزیکی و عاطفی را ایجاد می‌کند و الگوی ارتباطی سازنده متقابل احتمال شکل‌گیری همسرآزاری را به حداقل می‌رساند. در توضیح این مطلب می‌توان گفت که در خانواده‌های با الگوهای ارتباطی ناسالم، نگرش متفاوتی نسبت به خشونت، حقوق و وظایف زن و شوهر نسبت به یکدیگر وجود دارد. این نگرش منفی می‌تواند زمینه ساز بروز خشونت در خانواده باشد. در واقع همسرانی که مهارت‌های ارتباطی قوی نداشته باشند و ظرفیت بحث، مذاکره و گفتگو را در رابطه با موضوعات مختلف دارا نمی‌باشند، رابطه پرتنش را تجربه می‌کنند که محصول آن نارضایتی، بدبینی و خشونت است.

همچنین یافته‌های این پژوهش بیانگر این است که ترس از صمیمیت نیز می‌تواند پیامد استفاده از الگوهای ارتباطی در خانواده باشد. ترس از صمیمیت در این پژوهش با الگوی ارتباطی زن متوقع/ مرد کناره‌گیر، مرد متوقع/ زن کناره‌گیر و متوقع/ کناره‌گیر کلی رابطه مستقیم و معنادار و با الگوی ارتباطی سازنده متقابل رابطه ندارد. در توضیح این مطلب می‌توان گفت که در جامعه معاصر، زوج‌ها مشکلات شدید و فراگیری

را هنگام برقراری و حفظ روابط صمیمانه و ارضاء انتظارات و نیازهای یکدیگر تجربه می‌کنند. به طور ایده آل روابط بین فردی نزدیک، به افراد اجازه می‌دهد که نیاز خود به پذیرفته شدن، مورد توجه بودن، ارزشمند تلقی شدن و دوست داشته شدن را برآورده کنند و در نتیجه باعث می‌شود با مشکلات ارتباطی کنار آیند و روابطی رضایت بخش داشته باشند. در حالی که ترس از صمیمیت مشخصه افرادی است که روابطشان را کمتر رضایت بخش توصیف می‌کنند. کسانی که از صمیمیت می‌ترسند احتمالاً نزدیک شدن به دیگران و برقراری روابط گرم و رضایت بخش برایشان دشوار است.

محدودیت‌های پژوهش

یکی از محدودیت‌های حائز اهمیت و قابل بررسی این پژوهش، ماهیت چالش برانگیز پدیده‌ی همسرآزاری است که در فرهنگ ایران، عملی بسیار غیر قابل پذیرش و قبیح محسوب می‌شود. بنابراین کاملاً طبیعی به نظر می‌رسد که اساساً این موضوع مقاومتی را در افراد ایجاد نماید. ولیکن تنها راه نجات حل و فصل و ریشه کن کردن مشکلات، کارشناسی کردن و تجزیه و تحلیل مسائل است و باید با شکستن تابوی چنین مسائلی به بررسی علمی و ریشه یابی به آن‌ها اهتمام ورزید میزان دقت و صحت پاسخ آزمودنی‌ها قابل کنترل پژوهشگر نبوده است. ابزار اندازه‌گیری در پژوهش حاضر فقط پرسشنامه بوده است و استفاده از یک ابزار ممکن است نتواند اطلاعات دقیقی جمع‌آوری کند. برای سنجش ابعاد الگوهای ارتباطی از پرسشنامه الگوهای ارتباطی که ممکن است ملاحظات مربوط به تفاوت‌های فرهنگی در آن مورد توجه قرار نگرفته باش. با توجه به نو بودن موضوع، منابع. ماخذ علمی بخصوص پژوهش‌های انجام شده‌ی داخلی یا خارجی در ارتباط با موضوع پژوهش در دسترس نبود. تابو بودن مسائل جنسی و بار فرهنگی مربوط به آن، باعث گردید تا پژوهشگر تلاش مضاعفی برای مجاب نمودن زنان در تکمیل پرسشنامه همسرآزاری داشته باشد. مقیاس ترس از صمیمیت (دسکاتنر و تلن، ۱۹۹۱) فاقد زیر مقیاس بوده و تنها نمره-ای کلی ارائه می‌دهد.

پیشنهادات پژوهشی

در پژوهش‌های بعدی، انجام پژوهش‌هایی با موضوع مشابه پژوهش حاضر در استان‌ها و شهرهای گوناگون ایران و مقایسه نتایج آن‌ها با هم پیشنهاد می‌شود. انجام پژوهش‌های آتی با گروه‌هایی متشکل از زوجین و با وارد کردن متغیرهای مؤثر در بروز همسرآزاری جهت تدوین برنامه‌های پیشگیرانه و درمانی، پیشنهاد می‌شود. اجرای پژوهش‌هایی با موضوع مشابه پژوهش حاضر در زنان ناباور و مقایسه نتایج آن با زنان بارور پیشنهاد می‌شود. انجام یک مطالعه‌ی کیفی در زمینه‌ی علل و عوامل همسرآزاری و ارتباط آن با سایر متغیرهای زمینه‌ای نیز در ایجاد فرضیه‌های درست و کشف راه‌حل‌های مناسب در برخورد با این مشکل تا حدودی اثر بخش است.

پیشنهادات کاربردی

لزوم وجود قوانین جامع‌تر و اطلاع و آگاهی زنان از آن‌ها، ایجاد پایگاه‌های امن جهت افراد قربانی، تشکیل واحدهای مشاوره جهت همسران قربانی، ایجاد نظام ثبت و مراقبت از خشونت‌های حاصل از همسرآزاری از جمله عواملی است که می‌تواند در کنترل این معضل مفید واقع شود. همچنین آموزش افراد به منظور تبیین حقوق زن به ویژه بهره‌جستن از دستورات اسلامی و آرایه آموزش‌های لازم به نوجوانان در مدارس و مراکز آموزش عالی و رسانه‌ها، مشاوره‌ی پیش از ازدواج که همان پیشگیری اولیه است، مشاوره زناشویی و تقویت بنیه علمی مشاوران با ایجاد کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی ضمن خدمت و ارزیابی مشاوران به طور مستمر می‌تواند در کاهش همسرآزاری مؤثر باشد.

ملاحظات اخلاقی پژوهش: تمامی شرکت‌کنندگان برای شرکت در پژوهش رضایت شفاهی خود را اعلام نمودند و اطمینان لازم در مورد محرمانگی اطلاعات به آنها داده شده است. در پرسشنامه‌ها، به دلیل اهمیت محرمانه بودن اطلاعات افراد نمونه، اسم و فامیلی از افراد نمونه خواسته نشد. به افراد نمونه توضیح داده شد که هدف از پرکردن پرسشنامه‌ها چیست. همچنین تمایل افراد نمونه برای همکاری در پرکردن پرسشنامه‌ها

مهم قلمداد شد.

سهم نویسندگان: نویسنده مسئول تمامی مراحل فرایند پژوهشی را به تنهایی مدیریت نموده و مسئول نگارش مقاله است.

حمایت مالی: این مقاله همسو با برنامه‌ی هسته‌ی پژوهشی نویسنده مسئول تحت حمایت مالی-معنوی جایی نبوده و نویسندگان هزینه‌هایی را تقبل نموده‌اند.
تعارض منافع: یافته‌های این مطالعه هیچ‌گونه تضاد با منافع شخصی یا سازمانی ندارد.

قدردانی: از زنان منطقه ۱۲ شهر تهران که با شرکت خود در پژوهش حاضر به اجرای آن کمک کردند، سپاسگزاری می‌شود.

منابع

- ابرهیمی، پ. و ثنایی‌ذاکر، ب. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر آموزش برنامه غنی‌سازی ارتباط با افزایش صمیمیت زوج‌های هر دو شاغل. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان. سال ۴، شماره ۱۶، ۳۷-۴۳.
- اخلاقی، م. (۱۳۹۳). نقش میانجی‌ویژگی‌های شخصیتی در رابطه بین نیم‌رخ روان‌شناختی خانواده مبدأ و الگوهای ارتباطی زنان و مردان متأهل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه شهید بهشتی.
- اشرفیان لک، س. و باقری، ن. (۱۳۹۹). مقایسه الگوهای ارتباطی خانواده و ویژگی‌های شخصیتی در زوجین متقاضی طلاق با افراد عادی. مجله سلامت اجتماعی، سال ۹، شماره ۱، ۲۴-۱۴.
- بختیاری، ا. و امید بخش، ن. (۱۳۸۲). بررسی علل و آثار خشونت علیه زنان در خانواده در مراجعین به مرکز پزشکی قانونی بابل. مجله پزشکی قانونی، سال ۹، شماره ۳۱، ۳۰-۲۲.
- بختیاری، ا؛ حسینی، س؛ عارفی، م. و افشاری‌نیا، ک. (۱۴۰۰). نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و نگرش به خیانت زناشویی. فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره. انجمن مشاوره ایران. جلد ۲۰، شماره ۷۷، ۱۴۰-۱۲۲.
- بشارت، م (۱۳۹۱). رابطه ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی در نمونه‌ای از زوجین ایرانی: نقش تعدیل‌کننده سبک‌های دلبستگی. فصلنامه مشاوره کاربردی، سال ۲، شماره ۱، ۱۸-۱.
- بهرامی، م؛ نظری، ع. م. و زهراکار، ک. (۱۳۹۳). پیش‌بینی الگوهای ارتباطی زوج‌ها توسط سلامت معنوی و بهزیستی روان‌شناختی. مجله اندیشه و رفتار. سال ۹، شماره ۳۳، ۱۶-۷.
- پناغی، ل؛ قهاری، ش. و یوسفی، ح. (۱۳۸۵). خشونت علیه همسر و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه قربانیان این پدیده: یک مطالعه کیفی. فصلنامه خانواده‌پژوهی، شماره ۷، ۳۷-۱.

پور نقاش تهرانی، س؛ قلندر زاده، ز؛ فراهانی، ح؛ صابری، م. و پاشایی بهرام، م. (۱۳۹۷). رابطه بین خشونت خانگی و عملکردهای شناختی در زنان. سال ۶، شماره ۳، ۵۱-۶۰.

خجسته مهر، ر؛ کوچکی، ر. و رجبی، م؛ (۱۳۹۱). نقش واسطه‌ای اسنادهای ارتباطی و راهبردهای حل تعارض غیر سازنده در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و کیفیت زناشویی، فصلنامه روان‌شناسی معاصر، سال ۷، شماره ۲، ۱۴-۳.

رضوانی، س. و غنی زاده بافقی، م (۱۳۹۸). خانه‌های امن به مثابه درمانگاه زنان خشونت دیده خانگی. مجله حقوق دادگستری، دوره ۸۳، شماره ۱۰۶، ۱۶۷-۱۴۳.

شاهقلیان، م؛ جان نثار شرق، ر. و عبداللهی، م (۱۳۸۶). رابطه هوش هیجانی و سبک‌های مقابله با استرس با الگوهای ارتباطی میان زوجین. تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، سال ۶، شماره ۲۲، ۴۱-۲۳.

شعاع‌کاظمی، م (۱۳۸۹). بررسی پیوند الگوهای ارتباطی با خوشنودی زناشویی. مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان. سال ۸، شماره ۱، ۷۰-۵۷.

عباس زاده، م؛ سعادت، م. و دلیر هروی، ن. (۱۳۹۱). سنجش میزان همسرآزاری و عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر سرمایه اجتماعی. مسایل اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۲، ۱۷۹-۱۵۳.

فاطمی، م؛ داوودی، ر. و فشارکی، ا. (۱۳۹۰). ارتباط مهارت‌های زندگی با همسرآزاری. فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۱۱، شماره ۴۳، ۶۸-۵۱.

فلاح زاده، ه؛ فرزاد، و. و فلاح زاده، م. (۱۳۹۱). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس ترس از صمیمیت. نشریه پژوهش در سلامت روان‌شناختی، شماره ۲، ۴۸۴-۴۶۵.

قره باغی، ر. (۱۳۸۰). خشونت علیه زنان. مجله درد، سال ۲، شماره ۱۰، ۶۳-۶۰.

قهاری، ش؛ عاطف وحید، م. و یوسفی، ح. (۱۳۸۴). بررسی میزان فراوانی همسرآزاری در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تنکابن. مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، سال ۱۵، شماره ۵، ۸۹-۸۳.

کشتکار، ز. (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای زوج‌درمانی هیجان‌مدار به شیوه گروهی و آموزش عملی مهارت‌های ارتباطی صمیمانه در کاهش خشونت خانگی زوجین شهر مشهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد.

محمدخانی، پ. (۱۳۸۵). آسیب‌شناسی روانی و مشکلات شخصی و ارتباطی مردانی که مرتکب خشونت خانگی می‌شوند. مجله توانبخشی، سال ۷، شماره ۷، ۱۴-۶.

معادی نژاد، م؛ عارفی، م. و امیری، ح. (۱۳۹۹). مقایسه اثر بخشی آموزش گروهی زوج‌درمانی مبتنی بر پذیرش و تعهد و ایماگوتراپی بر صمیمیت جنسی زوج‌ها. مجله پژوهش‌های مشاوره، جلد ۱۹، شماره ۷۶، ۲۴-۴۷.

ملک شاهی، ف. و فرهادی، ع. (۱۳۸۳). بررسی میزان همسرآزاری و عوامل مؤثر بر آن در زنان همسردار تحت پوشش مراکز بهداشتی و درمانی خرم‌آباد. فصلنامه اصول بهداشت روانی. سال ۷، شماره ۲۷ و ۲۸، ۱۱۳-۱۰۷.

نریمانی، م. (۱۳۸۴). بررسی میزان خشونت مردان علیه زنان و متغیرهای مرتبط با آن در میان خانواده‌های ساکن در شهر اردبیل. فصلنامه اصول بهداشت روانی، سال ۱۰، شماره ۲، ۵۰-۳۱.

هاشمی نسب، ل. (۱۳۸۵). بررسی شیوع، پیامدها و عوامل مرتبط با خشونت فیزیکی خانگی در زنان باردار مراجعه‌کننده در شهر سنندج. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان*، دوره ۱۱، ۶۵-۵۴. یالوم، ا. (۱۳۸۶). *هنردرمانی (ترجمه س. حبیب)* تهران: نشر کاروان.

- Alan, E., & Cradok, A. (2008). Individual and Couple Patterns of self- Views and their Implications for Working with Premarital Couple Relationship Dissatisfaction. *Journal of Contemporary Psychotherapy*, 38 (3): pp 119-127.
- Alves V., Manlta, C., & Morais, L. (2020). Evolution and Analysis of Cultural and Cognitive Factors Related with Domestic Violence Against Women. *Journal of Interpersonal Violence*, 34 (3): pp 621-641.
- Birosack, B. G., & Smith, P. (2006). Intimate Partner Violence against Women: Finding from One States Surveillance System. *Journal of Emergency Nursing*, 32 (28): pp 12-16.
- Childress, S., Gioia D. , & Campbell, J.C. (2018). Women's Strategies for Coping with The Impacts of Domestic Violence in Kyrgyzstan: A Grounded Theory Study. *Social Work in Health Care*, 57 (3): pp 164-189.
- Christensen, A., & Heavey, C. L. (1990). Gender and social structure In the demand-withdraw pattern of marital conflict. *Journal of Personality and Social Psychology*, 5 (9): pp 73-81.
- Dayan, K., Fox, S., & Morag, M. (2013). Validation of Spouse Violence Risk Assessment Inventory for Police Purposes: *Journal of Family Violence*, 28 (8): pp 811-821.
- Descutner, C. J., & Thelen, M. H. (1991). Development and Validation of a Fear of Intimacy Scale: *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 3 (2): pp 218-225.
- Denton, W. H., & Burleson, B. R. (2000). A Randomized Trail of Emotion-Focused Therapy for Couples in a Training Clinic. *Journal of Marital and Family Therapy*, 26 (2): pp 65-78.
- Elmardi, A. E. A. (2005). Study of Domestic Violence among Women Attending a Medical Center in Sudden: *Eastern Mediterranean Health*, 11 (10): pp 164-174.
- Flym, A., & Graham, M. (2020). why did it happen: A review and conceptual frame work for research on perpetrators and victim's explanations for intimate partner violence, *Aggression and violent behavior*, 15 (3): pp 239-251
- Griffin, E. (2012). *A First Look at Communication Theory (9th ed)*. New York: McGraw- Hill. 115- 117. ISBN 978- 0-07- 353430-5.
- Halket, M. M. (2014). *Stay with or Leave the Abuser? The Effects of Domestic Violence*
- Victim's Decision on Attributions Made by Young Adults: *Journal of Family Violence*, 28 (28): pp 447-456.
- Hesse. C., Rauscher, E.A., Budesky, M., Goodman R., & Courrette, M. A (2020). Reconceptualizing the Role of Conformity Behaviors Communication Patterns Theory. *Journal of family Communication*, 17 (4): pp 319-337.
- James, L. M., & Jeffrey, S. A. (2004). Perfectionism and Fear of Intimacy: Implications for Relationships. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families*, 12 (4): pp 368-374.

- Jonson, B., & Jonson, C. (2000). The Domestic Violence: In: J. Murray & B. Apgar. *Women's Health Care Handbook* (2nd, cad.). pp: 92-101.
- Ingersoll, T. S. (2008). Reliability and Validity of the Fear of Intimacy Scale in China. *Journal of Personality Assessment*, vol. 92. No. 3. 270-279.
- Kim, J.C. (2007). Understanding the Impact of a Microfinance-Based Intervention on Women's Empowerment and the Reduction of in – time Partner Violence in South Africa: *American Journal of Public Health*, 97 (80): pp 1794-1802.
- Krahe, p. (2018). Violence against women. *Current opinion in psychology*, 5 (19): pp 6-10.
- Linos, N., Khawaja, M., & Kaplan, R. (2012). Women's Acceptance of Spousal Abuse in Iraq: Prevalence Rates and the Role of Female Empowerment Characteristics. *Journal of Family Violence*, 27 (7): pp 625-633.
- Manfredini, M., Breschi, M., & Manzoni, S. (2010). Spouses Selection by Health Status and Physical Traits: *American Journal of Physical Anthropology*, 48 (14): pp 290-296.
- Mc Whirter, P. T. (1999). Violence Private Domestic Violence in Chile. *American Psychologist*, 5 (1): pp 37-40.
- Meeusen, M. (2014). The inter-Generational Transmission of Environmental Concern: The Influence of Parents and Communication Patterns within the Family, 28 (8): pp 80-95.
- Mitchell, M. D. (2006). Coping Variables that Mediate the Relation between Intimate Partner Violence and Mental Health Outcomes among Low- Income, African American Women. *Journal of Clinical Psychology*, 62 (12): pp 1503-1520.
- Morril, M. (2014). Sexual Abuse: An Exploratory Study of Long-Term Consequences for Self-esteem and Counseling Considerations: *Journal of Family Violence*, 29 (8): pp 153-160.
- Noller, P. (1994). A Longitudinal Study of Conflict in Early Marriage. *Journal of Social and Personal Relationships*, 7 (4): pp 201-233.
- Othman, S., & Adenan, N. A. M. (2011). Domestic Violence Management in Malaysia: A survey on the Health Care Providers. *Asia Pacific Family Medicine*, 28 (2): pp 16-30.
- Prager, K.J. (1986). Intimacy Status: It's Relationship to Locus of Control, Self-disclosure, and Anxiety in Adults. *Personality and Social Psychology Bulletin*: h 2. 91-110.
- Reis, H. T., & Grenyer, B. F. S. (2004). Fear of Intimacy in Women: Relationship between Attachment Styles and Depressive Symptoms. *International Journal of Descriptive and Experimental Psychopathology*, 37 (6): pp 299-303.
- Richardson, J., & Moorey, S. (2000). Identifying Domestic Violence Cross Sectional Study in Primary Care: *British-Medical Journal*, 324 (250): pp 241-250.
- Richardson, J., & Petrukevitch, A. (2002). Identifying Domestic Violence. Cross Sectional Study in Primary Care. *British Medical Journal*, 3 (1): pp 224-240.
- Rose, L. E. (2000). The Role of Social Support and Family Relationship in Women's Responses to Battering Health Care for Women International: 21 (1), 27-39.

- Samman, S., & Martin, C. (2015). Relational Engagement in Heterosexual Couple Therapy: Helping Men Move from "I" to "we". *AFTA Springer Briefs in Family Therapy*, 79-91016.
- Schilling, E. A. (2003). Altering the Course of Marriage: The Effect of Communication Skills Acquisition of Couples Risk of Becoming Martially Distressed. *Journal of Family Psychology*, 7 (17): pp 41-53.
- Shearman, S., & Dumlao, R. (2008). A cross-cultural Comparison of Family Communication Patterns and Conflict between Young Adults and Parents: *Journal of Family Communication*, 8 (3): pp 186-211.
- Stanley, E. Althof, B. (2013). Risks Factors in Premature Ejaculation: The Relational Risk Factor Premature Ejaculation. 133-139.
- Stanley, S. M. & Markman, H. G. (2000). Communication Conflict and Commitment. Insights on the Foundations of Relationship Success from a National Survey: *Family Process*, 41 (38): pp 59-75.
- Szymanski, D., & Helyon, A. (2013). Fear of Intimacy as a Mediator of the Internalized Heterosexism. Relationship Quality Link Among Men in Same-Sex Relationship. *Journal of Social and Personal Relationship*, 24 (14): pp 245-256.
- Van Hightower, N. R., Gorton, J., & Demos, C. L. (2000). Predictive Models of Domestic Violence and Fear of Intimate Partners among Migrant and Seasonal Farm Worker Women: *Journal of Family Violence*, 15 (2): pp137-154.
- Yalcin, M.B. (2009). The effect of couple communication program on passive conflict tendency among married couples. Department of Educational Sciences, 55139 Kuruplit/ Samsun, 845- 858.

